

تحلیلی بر نابرابری مسکن روستایی در استان لرستان

علی‌رضا غلامی *، سید اسکندر صیدائی **، احمد تقدیسی ***

تاریخ دریافت مقاله:

1393/07/09

تاریخ پذیرش مقاله:

1394/06/08

چکیده

تجلی و نمود نابرابری در مسکن روستایی را می‌توان در ظهور بدمسکنی، بی‌مسکنی و تکوین و گسترش نواحی حاشیه‌نشینی در کلانشهرها دانست که در صورت عدم پیشگیری در مبدأ یعنی روستاها روز به روز بر مشکلات و ابعاد بد آن در مقصد یعنی کلانشهرها خواهد افزود. یکی از راه‌های نشان دادن وضعیت نابرابر مسکن استفاده از شاخص‌های مسکن می‌باشد. پژوهش حاضر به صورت کمی - تحلیلی - تکنیکی با استفاده از مدل ویکور و شاخص ویلیامسون بر پایه مجموعه شاخص‌های کمی و کیفی (17 شاخص) به سنجش نابرابری مسکن روستایی و بررسی شکاف درون منطقه‌ای در بین شهرستان‌های استان لرستان با استفاده از داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده از مرکز آمار ایران و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال 1390 پرداخته است. آنچه که یافته‌های تحقیق حاضر به ما می‌نمایاند این است که استان لرستان با داشتن سهم $2/1$ درصدی از مسکن کل کشور در سال 1390 دارای سهم $1/8$ درصد مسکن شهری و $2/8$ درصد مسکن روستایی بوده است. تعداد واحدهای مسکونی روستایی در استان لرستان در سال 1390 برابر با 145091 واحد بوده که نسبت به سال 1385 با 210622 واحد مسکونی دارای رشد سالیانه $5/15$ درصدی بوده است. نتایج حاصل از به‌کارگیری مدل ویکور جهت بررسی شاخص‌های مسکن نشان می‌دهد که مسکن روستایی در شهرستان‌های دورود، بروجرد و خرم‌آباد به ترتیب با 1، 0،781 و 0،767 دارای بالاترین مقدار Q_i در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته و شهرستان‌های کوهدشت (0،147)، پلدختر (0،025) و دوره چگنی (0) دارای پایین‌ترین مقدار Q_i در رتبه‌های هشتم تا دهم قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از به‌کارگیری شاخص ویلیامسون جهت بررسی شکاف درون منطقه‌ای در بین شهرستان‌های استان حاکی از وجود نوسانات زیاد شاخص ویلیامسون در طی دوره 1385 تا 1390 در بین شهرستان‌های استان می‌باشد، بدین معنا که شهرستان‌های استان در طی این دوره به‌لحاظ شاخص ویلیامسون از یکدیگر فاصله گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: نابرابری، مسکن روستایی، مدل ویکور، شاخص ویلیامسون، استان لرستان.

* دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان.

** عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان. s.seidsiyl@tr.ui.ac.ir

*** عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان.

مقدمه

در هر کشوری به منظور تضمین استحکام اقتصادی - اجتماعی جامعه در راستای ارتقای توسعه ملی، تهیه مسکن برای عموم مقوله‌ای اساسی به‌شمار می‌رود (مشکینی و میرکمالی، 1387: 91) و دسترسی به امکانات و خدمات مسکن در بین طبقات درآمدی از زمینه‌های توانمندسازی و ایجاد شرایط مساعد رفاه اقتصادی و اجتماعی برای بهره‌مندی و افزایش توان استفاده از فرصت‌های آموزشی، بهداشتی، و مانند این‌ها در جهت رشد سرمایه انسانی است (پیمان، 1386: 72). مسکن به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی برای بقا و وجود بشر، بیش از آن‌که ساختاری کالبدی داشته باشد، نهادی است با عملکرد چند بعدی (براتی، 1382: 25)، که دارای ابعاد مختلف مکانی معماری، کالبدی و فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، مالی، روانشناختی و پزشکی است (Culling Worth, 1997: 166). در چارچوب تأمین فضای مورد نیاز برای آسایش انسان، مسکن؛ وجودی مادی و کیفیتی فضایی است که تأمین نیازهای روحی و روانی آدمیان را برعهده دارد (سرتپی‌پور، 1383: 25). بنا به تأکید سازمان بهداشت جهانی (WHO) مسکن مهمترین عامل زیست‌محیطی مرتبط با شرایط بیماری و امید به زندگی است (هدایت نژاد، 1375: 562) و همچنین یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی از نظر فیزیکی یا کالبدی به‌شمار می‌آید (رفیعی، 1379: 34). در دومین اجلاس اسکان بشر در سال (1996) که در استانبول برگزار شد مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالایی سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای،

روشنایی، تهویه، سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه از قبیل آبرسانی مناسب، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست‌محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود» (پورمحمدی، 1379: 3-4). نابرابری مسکن یکی از موضوعات محوری در مطالعات اجتماعی (Huang & Jiang, 2009: 937) و نیز یکی از مهم‌ترین ابعاد ملموس نابرابری اجتماعی است (Huang, 2005؛ قنبری، 1390: 35). هم‌اکنون مسئله مسکن و بی‌خانمانی به‌عنوان یک امر جهانی گریبان‌گیر کشورهای مختلف جهان می‌باشد (Gallent et al., 2003: 15; Milboume & Cloke, 2006: 1) به‌طوری‌که در ایالات متحده آمریکا، با وجود تسلط مسکن خصوصی، نابرابری مسکن غلبه دارد که این امر ناشی از یک گروه عوامل و شرایط اقتصادی - اجتماعی نظیر تبعیض نژادی است (Galster, 1988). در کشورهای سوسیالیستی نیز به رغم تسلط مسکن عمومی، مسئله نابرابری مسکن امری مهم به‌شمار می‌رود (Szeleny, 1983؛ قنبری، 1390: 35). همین مسئله در کشورهای در حال توسعه به شکل حادثه بروز می‌کند و علاوه بر مشکلات کمی، مشکلات کیفی را نیز به‌دنبال دارد. به‌طوری‌که در کشورهای در حال توسعه، معدودی از جامعه امکان دسترسی به مسکن مناسب را دارا بوده و بقیه اقشار جامعه به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمد از داشتن یک سکونتگاه مناسب در رنج هستند (اهری و حبیبی، 1370؛ قنبری، 1390: 35). مسئله و مشکل مسکن در ایران قبل از دهه 1330 چندان مسئله‌ساز نبوده است. تجلی و نمود نابرابری در مسکن روستایی را می‌توان در ظهور بدمسکنی، بی‌مسکنی و تکوین و گسترش نواحی حاشیه‌نشینان در کلانشهرها دانست که در صورت عدم پیشگیری در مبدأ یعنی

که از عمران و آبادانی بهتر برخوردار بوده‌اند نابسامانی منطقه‌ای، کمتر بوده است. به همین دلیل نادیده گرفتن و رها نمودن روستاها و بی‌توجهی نسبت به مسکن و بافت آن، ضمن نادیده گرفتن شرایط آسایش برای بخش قابل توجهی از جمعیت کشور؛ برهم زدن تعادل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مناطق و متعاقب آن بروز نابسامانی در نظام سکونتگاهی کشور را به دنبال خواهد داشت (سرتیپی‌پور، 1385، 49).

از آنجا که هدف کلی توسعه، رشد و تعالی همه جانبه جوامع انسانی است، در فرایند برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه و قرارگیری در مسیر آن، شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع انسانی و نیازهای آنان در ابعاد مختلف، از جمله اقدامات ضروری در این زمینه می‌باشد. در این راستا با بررسی و شناخت وضعیت نواحی و قابلیت و تنگناهای آن‌ها، می‌توان اولویت‌ها را شناخت و از شدت نابرابری‌ها کاست. امروزه آگاهی از نقاط قوت و ضعف نواحی، جهت ارائه طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها ضروری بوده، به گونه‌ای که استفاده از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، بهداشتی و ... می‌تواند معیاری مناسب برای تعیین جایگاه نواحی و عاملی مهم در جهت رفع مشکلات و نارسایی‌های موجود در راه رسیدن به توسعه پایدار باشد. در همین راستا برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، با نگاهی عمیق و همه جانبه به مسائل ناحیه‌ای، در پی انتظام کانون‌های زیستی در فضای منطقه‌ای و نیز به دنبال فراهم ساختن مهمترین شرایط زیست و ارتباط مناسب میان کانون‌های زیستی است (ذاکر حقیقی و دیگران، 1391: 70). با در نظر گرفتن این فرض که مسکن به عنوان یکی از زیرساخت‌های اصلی توسعه و مقوله‌ای با ابعاد مختلف زیستی، اجتماعی و اقتصادی، نیازمند مطالعه دقیق و

روستاها روز به روز بر مشکلات و ابعاد بد آن در مقصد یعنی کلانشهرها خواهد افزود. با وجود آنکه پس از انقلاب اسلامی تلاش‌هایی در زمینه محرومیت‌زدایی و بهبود کمی و کیفی مسکن روستاییان توسط نهادهای انقلابی همچون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی صورت گرفته است ولی تا به حال توفیق چندانی در این زمینه حاصل نشده است و با ادامه چنین وضعیتی عدالت اقتصادی و اجتماعی و در نهایت پایداری نواحی زیر سوال خواهد رفت (قنبری، 1390: 35).

نابرابری‌های توسعه‌ای که به دلایل متعددی نظیر دلایل تاریخی، طبیعی، دموگرافیکی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ... ایجاد می‌گردند موجب رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی می‌شود (منصوری، 1375: 4). وجود این نابرابری‌ها سبب گردیده که شکاف توسعه بین نواحی توسعه یافته و محروم روز به روز بیشتر شده و عدالت اقتصادی و اجتماعی مفهوم خود را از دست بدهد، محرومیت نواحی محروم تداوم یابد و نواحی مرکزی امکانات را در خود متمرکز کنند (زیاری و دیگران، 1389: 76). مسکن روستایی هم در مباحث گسترده سیاسی و هم در مباحث مربوط به مسائل روستایی، به علت قائل شدن اولویت بیشتر برای نیازهای مسکن شهری نسبت به مسکن روستایی، به صورت حاشیه‌ای در آمده است، در حالی که مسکن برای رفاه و امنیت اجتماعی خانوارهای روستایی یک نیاز پایه‌ای می‌باشد. در مقایسه با نواحی شهری، نواحی روستایی بیشتر از تمرکز فقر در این نواحی رنج می‌برند. معمولاً بسیاری از خانوارهای روستایی با درآمد کمتر نسبت به نواحی شهری دستیابی به مسکن مطلوب را امری مشکل می‌پندارند (Tiwari, 2007: 247). تجربه نشان می‌دهد در مناطقی که روستاها مورد غفلت و بی‌توجهی بوده‌اند مشکلات شهری - روستایی، بیشتر و در مناطقی

همه‌جانبه است، می‌توان این گونه بیان کرد که میزان توسعه‌یافتگی بخش مسکن، عاملی است که نقش بسزایی در توسعه‌یافتگی و توسعه‌یافتگی ایفا می‌کند (ذاکر حقیقی و دیگران، 1391: 70). مقاله حاضر با بررسی وضعیت شاخص‌های کمی و کیفی مسکن روستایی، در پی تحلیل شناخت موقعیت و چگونگی توزیع امکانات توسعه و نابرابری‌ها در نقاط روستایی شهرستان‌های استان لرستان و تعیین نیازهای سکونتی آن و همچنین ایجاد ذهنیتی کلی از وضعیت مسکن روستایی و تحولات آن در چند سال گذشته و رتبه‌بندی روستاهای شهرستان‌های استان از نظر وضعیت کمی و کیفی مسکن روستایی جهت اولویت‌بندی برای برنامه‌ریزی اجرایی مسکن در سطح استان لرستان می‌باشد.

سوالات تحقیق

- مسکن روستایی در بین شهرستان‌های استان لرستان از لحاظ شاخص‌های استاندارد (کمی و کیفی) در چه وضعیتی قرار دارد؟
- آیا میان نقاط روستایی استان لرستان به لحاظ برخورداری از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن روستایی تفاوت معناداری وجود دارد؟
- شکاف درون منطقه‌ای مسکن روستایی در بین شهرستان‌های استان در چه وضعیتی قرار دارد؟

پیشینه تحقیق

مسکن روستایی و مسائل مربوط به آن همیشه به نوعی در زیر سایه مسکن شهری قرار داشته و حدود سی سال پیش فیلیپس و ویلیام¹ در پژوهشی درباره وضعیت مسکن روستایی در بریتانیا (3: 1982)، به نادیده گرفتن بحث مسکن روستایی در طی دو دهه اخیر به‌ویژه در کتاب‌های مربوط به مسکن اشاره کرده‌اند و امروزه ممکن است افراد به‌جای واژه «نادیده گرفته شده»² از واژه «به حاشیه رانده شده»³ به‌منظور

تشریح وضعیت مسکن روستایی و نابرابری‌های آن در انگلستان استفاده کند (Cloke et al., 2006: 426).

چاگولی⁴ (2007) در مقاله‌ای با عنوان «در جستجوی سیاست‌هایی برای پشتیبانی از توسعه مسکن پایدار» معتقد است که معیارهای خاصی برای پایداری وجود دارد که شامل الزام به کاهش فقر، کاهش حاشیه‌نشینی و حفاظت زیست‌محیطی می‌باشد. البته عدم بهبود در فرصت‌های اشتغال و درآمدها به احتمال زیاد منجر به نتایج ناامید کننده می‌شود.

سونگ کیوها⁵ (2008) در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت مسکن اجتماعی و توسعه پایدار جامعه در کره جنوبی» به تشریح ویژگی‌ها و مشکلات مسکن و بررسی مسائل توسعه پایدار جامعه در کره جنوبی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که الزامی به ارائه یک راه حل خاص نمی‌باشد و دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی باید در راستای مشارکت نزدیک جهت ارائه یک برنامه جامع مسکن با همدیگر همکاری داشته باشند.

سی مینگ لی⁶ (2009) در مقاله‌ای با عنوان «نابرابری مسکن در گوانگژو چین در سال 1996 و 2005» به بررسی تغییرات در میزان و ماهیت نابرابری مسکن شهری در چین در نتیجه قطع تخصیص اعتبار به این بخش در آغاز هزاره جدید می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که سطح کلی نابرابری مسکن در گوانگژو کاملاً ثابت باقی مانده و شاخص‌هایی همچون سطح درآمد و قشریندی‌های اجتماعی در دسترسی به مسکن تأثیرگذار بوده است.

آسفور⁷ (2012) در مقاله‌ای با عنوان «به سوی یک استراتژی مؤثر برای مقابله با کمبود زمین مسکن در نوار غزه به‌عنوان یک اولویت توسعه پایدار» با هدف برجسته کردن نقش افزایش تراکم مسکن به‌منظور مواجهه با مشکل کمبود زمین مسکن به بررسی مشکل

آذربایجان شرقی شناخته می‌شوند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد که تقریباً بیشتر نقاط توسعه‌یافته روستایی در مرکز استان و یا در اطراف نقاط مسلط شهرستان‌های استان از جمله تبریز یا مراغه قرار گرفته‌اند که این امر ناشی از تبعیت از الگوی مرکز - پیرامون می‌باشد.

مشکینی و همکاران (1390) در مقاله‌ای با عنوان برآورد نابرابری مسکن در استان هرمزگان با استفاده از ضریب جینی به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت مسکن در گروه‌های کم‌درآمد از سال 1357 در این استان به بعد در حال بدتر شدن است و این که عدم توانایی تأمین مسکن مناسب از دهک‌های 1 و 2 و 3 به سمت دهک‌های 4 و 5 نیز کشیده شده است.

پرهیز و همکاران (1391) در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر وضعیت مسکن در استان لرستان با استفاده از مدل‌های تحلیل عاملی (تاکسونومی عددی و ویلیمسون) به تعیین نیازهای سکونت استان و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان نرخ تخریب مسکن در استان لرستان 2/7 درصد، در مناطق شهری 2/4 درصد و در مناطق روستایی 3/2 درصد است. همچنین در بین شهرهای مورد مطالعه دلفان، کوهدشت، سلسله و پل دختر دارای بدترین وضعیت مسکن و خرم‌آباد و بروجرد دارای بهترین وضعیت مسکن در استان می‌باشند.

مبانی نظری

مسکن به عنوان کوچک‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده سکونتگاه‌ها و نمایانگر توسعه کالبدی (تولون، 1374؛ رفیعی، 1379)، برای بیشتر خانوارهای سراسر جهان به منزله پرهزینه‌ترین و ارزشمندترین دارایی محسوب می‌گردد و همچنین برای بخش اعظم خانوارها تعیین‌کننده‌ترین عامل کیفیت زندگی است. تهیه مسکن

کمبود زمین مسکن در نوار غزه با توجه به جمعیت در حال رشد فزاینده در این منطقه می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اساساً ارائه راه‌حل‌هایی در جهت برقرار کردن توازن بین الگوهای مسکن متراکم و محیط مناسب شهری، مورد نیاز می‌باشد.

مرکز اقتصاد روستایی دانشگاه نیوکاسل (2013) در پژوهشی با عنوان «مسکن مطلوب و نابرابری در مناطق روستایی انگلستان» تأکید دارد که کمبود مسکن قیمت‌ها را افزایش داده و افراد جوان و گروه‌های درآمدی متوسط از دسترسی به آن باز مانده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص افزایش قیمت برای مسکن روستایی 25 درصد بیشتر از مناطق شهری بوده و همین امر خرید آن را برای افراد سخت کرده است.

بهرامی (1390) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه» ضعف تکنیکی ساخت‌وساز، وجود مصالح کم دوام و کم توجهی به مقاوم‌سازی مسکن روستایی در استان را عوامل اصلی تأثیرگذار بر وضعیت نابسامان مسکن روستایی ذکر می‌کند. همچنین به منظور پیشگیری از بلایای طبیعی و بهبود وضع مسکن روستایی ضرورت اجرای طرح جامع مسکن روستایی را که تدوین گردیده، مورد توجه قرار داده است.

قنبری (1390) در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر نابرابری‌های مسکن روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال 1387 با استفاده از تلفیق روش‌های تحلیل عاملی و شاخص ترکیب توسعه انسانی با روش‌های امتیاز استاندارد، تاکسونومی عددی و تاپسیس و همچنین میانگین رتبه‌ای هر یک از روش‌ها به این نتیجه می‌رسد که تبریز به عنوان برخوردارترین نقاط روستایی و ورزقان به عنوان محروم‌ترین نقاط روستایی شهرستان‌های استان

در اکثر کشورهای پیشرفته و شماری از اقتصادهای بازاری در حال ظهور مطلوب است (Stren&White,1989; Khoury,1996:19). مسکن و برنامه‌ریزی مسکن از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نظریات توسعه و قطب رشد، مشکلات حاد مسکن را امری گذرا و از ملزومات برنامه‌های توسعه می‌داند (شفاعت، 1385:10). به اعتقاد راپاپورت، عامل فرهنگ و درک انسان‌ها از جهان و حیات نقش مؤثری در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است (Rapoport, 1969: 47). بنا به دیدگاه لوکوربوزیه هر دو وجه نیازهای جسمی و روحی انسان باید با سازماندهی فضایی خانه پاسخ داده شود. همچنین او معتقد است نهادهای اجتماعی بیرون خانه مکمل نهاد خانه هستند و می‌بایست شرایط مناسبی را برای حیات جامعه شهری فراهم سازند (Yagi,1987:18). به اعتقاد فلچر خانه، مکان پارادوکس عطوفت و خشونت است. گاستن باشلارد نیز در کتاب جنبه شاعرانه فضا، خانه را "فضای خوشبختی" لقب داده است که در آن استراحت، خودیابی، آرامش و مادرگرایی اهمیت پیدا می‌کند (توسلی، 1378:164).

یکی از دلایل تأثیرگذار بر میزان تمایل روستاییان به ساخت‌وساز روستایی مسئله فقر می‌باشد. آخرین آمار از وضعیت فقر در ایران نشانگر آن است که جوامع روستایی به نسبت بیشتری از جوامع شهری با پدیده فقر روبرو هستند (غفار، 1385:8) تا جایی که علی‌رغم اختصاص حدود 60 درصد از وسعت کشور و حدود 30 درصد از جمعیت آن به مناطق روستایی، روستاییان در زمینه اقتصادی نه فقط قدرت اقتصادی چندانی ندارند، بلکه در اقتصاد پولی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته و بسیاری از روستاییان در شرایط اقتصادی نامطلوب و زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بنابراین

سرعت ساخت‌وساز روستاییان پاسخگوی نیاز شدید به مسکن مقاوم روستایی نمی‌باشد (بیتی، 1390:116-117). مسکن از مهمترین عوامل تشکیل‌دهنده بافت روستایی است که متأثر از عوامل طبیعی و انسانی بوده، بنابراین هرگونه تغییر در شرایط طبیعی و انسانی، به طرق مختلف در آن تجلی می‌یابد (سعیدی و امینی، 1389:32). در ادبیات مربوط به توسعه، امکان دسترسی به نیازهای اساسی زیستی هدف اولیه توسعه تلقی شده و میزان فقر افراد را میزان محرومیت از این نیازها تعریف می‌کنند. یکی از کالاهای مهم در این خصوص مسکن است. محرومیت از مسکن مناسب یعنی فقیر بودن، بنابراین نمی‌توان از اقدام به توسعه سخن گفت بدون اینکه به‌طور جدی برای مسئله مسکن تدبیری نشده باشد (پورمحمدی، 1379:77). از نظر بسیاری از محققان نبود مسکن مناسب در نواحی روستایی بر بسیاری از مؤلفه‌های زندگی سالم در این نواحی مؤثر واقع می‌شود، در برخی موارد نامساعد بودن مسکن از عوامل اصلی بروز مهاجرت‌های روستایی به حساب می‌آید (Herrmann,2009: 4)، افزایش نابرابری‌های اجتماعی را به‌دنبال داشته (WHO,2010: 5)، سلامت روان افراد ساکن در این مساکن را دچار اختلال (Howell, 2005: 8) و افزایش خطر ابتلا به بیماری‌ها و تغذیه ضعیف را به‌دنبال دارد (Ruel,2010: 54).

روش پژوهش

نوع تحقیق حاضر بنیادی-کاربردی و روش بررسی آن با توجه به مؤلفه‌های به‌کار رفته در آن کمی-تحلیلی-تکنیکی است. محدوده جغرافیایی پژوهش حوزه سیاسی-اداری استان لرستان در سال 1390 می‌باشد. جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از داده‌ها و اطلاعات مرکز آمار ایران و بنیاد

شاخص‌های مسکن مطرح بوده و بیانگر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن است (عزیزی، 1383: 28). از آنجا که آمارهای اولیه و خام مورد نیاز تحقیق از سرشماری‌های عمومی به‌دست آمده است، لذا دارای روایی و پایایی مناسب می‌باشند که محقق با توجه به نیاز خود و اطلاعات در دسترس اقدام به ساخت شاخص‌های مورد نظر تحقیق کرده است (جدول شماره 1).

مسکن انقلاب اسلامی 1390 صورت گرفته است که پس از جمع‌آوری در محیط SPSS و EXLL مورد پردازش قرار گرفته‌اند. جهت پاسخگویی به پرسش‌های موجود در این تحقیق از مدل ویکور و روش ویلیامسون استفاده شده است.

شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق

تحلیل مسائل کمی و کیفی مسکن با استفاده از ابزاری صورت می‌گیرد که به‌صورت متغیرهایی به نام

شاخص		شاخص	
X10	نسبت برخورداری واحد مسکونی از اسناد مالکیت ⁸	X1	بعد خانوار (معکوس)
X11	نسبت مساکن بادوام	X2	تراکم خانوار در واحد مسکونی (معکوس)
X12	درصد واحدهای مسکونی دارای تلفن ثابت	X3	متوسط اتاق در واحد مسکونی
X13	درصد واحدهای مسکونی دارای آب لوله‌کشی	X4	تراکم نفر در واحد مسکونی (معکوس)
X14	درصد واحدهای مسکونی دارای گاز لوله‌کشی	X5	تراکم نفر در اتاق (معکوس)
X15	درصد واحدهای مسکونی دارای آشپزخانه	X6	متوسط اتاق برای هر خانوار
X16	درصد واحدهای مسکونی دارای حمام	X7	درصد کمبود واحد مسکونی (معکوس)
X17	درصد واحدهای مسکونی دارای توالت	X8	متوسط سطح زیربنا
		X9	متوسط عمر واحد مسکونی به سال (معکوس)

ج 1. شاخص‌های کمی و کیفی مسکن روستایی در تحقیق.

تاکسونومی دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی می‌باشد. شباهت هر سه مدل محاسبه فاصله نسبت به شرایط ایده‌آل می‌باشد اما تفاوت اساسی آن‌ها در نحوه تعیین راه‌حل ایده‌آل و محاسبه فاصله است. از جمله مزیت‌های این روش می‌توان به وزن دهی شاخص‌ها، امکان استفاده از شاخص‌های غیر هم جهت و استفاده از داده‌های کیفی می‌باشد. مزیت اساسی روش ویکور نسبت به روش‌های مشابه توجه به توافق گروهی و اکثریت در شاخص‌ها می‌باشد که براساس شاخص‌های Q, R, S و میزان توافق گروهی و براساس شاخص V وزن و حداکثر مطلوبیت گروهی سنجیده و در واقع یک آستانه برای آن لحاظ می‌شود (بدری و همکاران، 1391: 7). مراحل انجام این روش به‌صورت هفت مرحله بوده

مدل ویکور⁹

مدل ویکور یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره کاربردی است که کارایی بالایی در حل مسائل گسسته دارد و براساس روش‌های توافقی ارائه شده است. راه‌حل توافقی، راه‌حل‌های موجه را که به راه‌حل ایده‌آل نزدیک بوده به‌عنوان توافق ایجاد شده توسط اعتبارات ویژه‌ای تصمیم‌گیرندگان تعیین می‌کند (Opricovic, S, Tzeng H. 2004:447؛ بدری و همکاران، 1391: 7). تأکید این روش بر رتبه‌بندی و انتخاب از مجموعه‌ای گزینه و تعیین راه‌حل‌های توافقی برای مسئله با معیارهای متضاد می‌باشد (Chen& Wang, 2009:234؛ بدری و همکاران، 1391: 7). مدل ویکور نسبت به مدل‌های مشابه مانند تاپسیس و

که در مقاله حاضر جهت پرهیز از تکرار سعی گردیده هر یک از مراحل همراه با یافته‌های تحقیق ذکر گردد.

شاخص ویلیامسون

روش‌های متفاوتی برای برآورد شکاف درون منطقه‌ای و بحث نابرابری وجود دارد که از آن جمله می‌توان به شاخص ویلیامسون، ضریب تغییرات و شاخص شانون اشاره کرد. یکی از شاخص‌های مورد به‌منظور سنجش نابرابری‌های درون منطقه‌ای استفاده از شاخص ویلیامسون می‌باشد که در سال 1965 توسط ویلیامسون مطرح گردید. ویلیامسون عقیده داشت که نابرابری‌های منطقه‌ای در ابتدا به افزایش سطح توسعه اقتصادی و در نهایت کاهش سطح توسعه اقتصادی می‌انجامد. به‌نظر او دگرگونی نابرابری‌های منطقه‌ای پیامد مجموعه‌ای از سرریزهای مرتبط با مراحل مختلف توسعه اقتصادی از جمله مهاجرت، جریان سرمایه، سیاست‌های دولت و تجارت بین‌المللی می‌باشد. (Tadjoeddin, 2003: 28-29). این شاخص در واقع نوعی ضریب تغییرات با یک ضریب وزنی و بدون بعد می‌باشد که می‌تواند براساس رابطه زیر شکاف بین مناطق مختلف را با هم از نظر شاخص انتخابی در

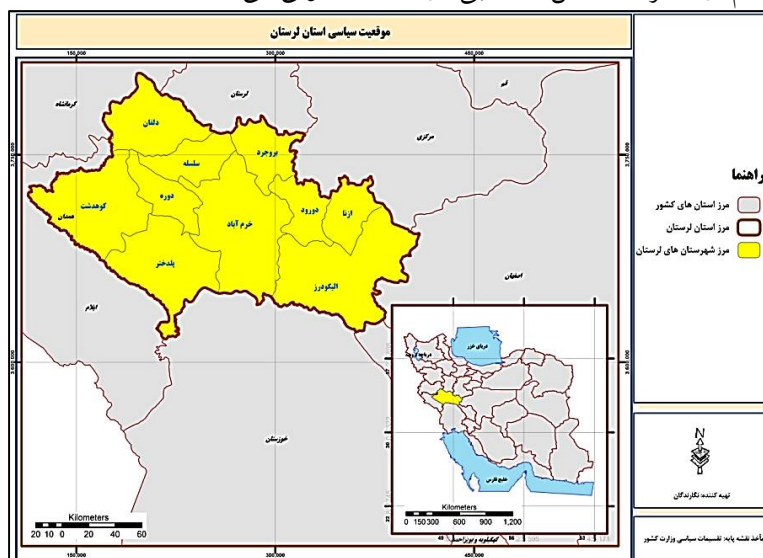
طول دوره‌های زمانی مورد بررسی قرار دهد.

$$V_i = \left(\sqrt{\sum_{i=1}^n (X_i - X_n)^2} \right) / X_n \quad (\text{رابطه 1})$$

که در آن، n تعداد مناطق، X_i سرانه شاخص مورد نظر در شهرستان i، X_n سرانه شاخص مورد نظر در کل شهرستان‌ها، P_i جمعیت منطقه i و N جمعیت کل مناطق است.

شناخت محدوده مورد مطالعه

استان لرستان در غرب ایران بین 46 درجه و 50 دقیقه شرقی تا 50 درجه و 2 دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و 32 درجه و 38 دقیقه تا 34 درجه و 22 دقیقه عرض شمالی واقع شده است. این استان با مساحتی بالغ بر 28559/5 کیلومتر مربع در غرب ایران و در بخش کوهستانی از سلسله جبال زاگرس قرار دارد و حدود 1/8 درصد از سطح مساحت کل کشور را شامل می‌گردد (تصویر شماره 1). براساس آخرین تقسیمات کشوری مصوب هیئت دولت در سال 1390، استان لرستان دارای 10 شهرستان، 27 بخش و 23 شهر، 84 دهستان، 2750 آبادی و 145091 واحد مسکونی می‌باشد.



ت 1. موقعیت استان لرستان نسبت به ایران.

یافته‌های تحقیق

مقایسه وضعیت مسکن روستایی در استان لرستان با سطح ملی

طبق آمار سال 1385 و 1390 سهم استان لرستان از کل موجودی مسکن کشور به ترتیب برابر با 0/2 و 2/1 بوده که در سال 1385 سهم استان از مسکن شهری 1/8 و مسکن روستایی 2/5 و در سال 1390 برابر با 1/8 درصد مسکن شهری و 2/8 درصد مسکن روستایی بوده است. در جدول شماره 2 وضعیت مسکن شهری و روستایی استان در دو دوره 1385 و 1390 آورده شده است.

رتبه‌بندی مسکن روستایی در بین شهرستان‌های استان لرستان براساس مدل ویکور

پس از جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز جهت تحلیل داده‌ها و رتبه‌بندی مسکن روستایی در بین شهرستان‌های استان لرستان اقدام به استفاده از مدل ویکور گردید که مراحل آن به شرح زیر توضیح داده شده است:

مرحله اول: تشکیل ماتریس تصمیم مکانی

در این مرحله پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز و تبدیل آن‌ها به داده‌های کمی اقدام به تعریف ماتریس داده‌های خام هر یک از شاخص‌ها گردید. این ماتریس تصمیم‌گیری متشکل از m گزینه و n خصوصیت است که برای هر گزینه مجموعه‌ای از شاخص‌ها وجود دارد که مقدار آن به صورت X_{ij} نشان داده می‌شود، به عبارتی X_{ij} مقدار خصوصیت مقدار خصوصیت j ام می‌باشد. در این ماتریس گزینه‌ها (سطرها) شامل شهرستان‌های استان لرستان و شاخص‌ها شامل 17 شاخص مورد استفاده (X1 تا X17) در تحقیق می‌باشند. جدول شماره 3 ماتریس تصمیم مکانی

مربوط به شهرستان‌های استان لرستان را نشان می‌دهد که در آن شاخص‌های استفاده شده در حوزه سنجش نابرابری مسکن در سطر و شهرستان‌ها در ستون ماتریس فهرست شده‌اند. برای مثال شاخص بعد خانوار (معکوس) $X1$ برای شهر الیگودرز مقدار 4,41 را نشان می‌دهد که نسبت به دیگر شهرستان‌ها بالاتر می‌باشد. حجم بالای جداول محاسبه شده برای هر کدام از مراحل مدل ویکور، نویسندگان را بر آن داشت که در بعضی مراحل محاسبات مربوط به پنج شاخص اول را در جداول آورده و در پایان نتیجه کل شاخص‌های جهت رتبه‌بندی شهرستان‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

مرحله دوم: محاسبه مقادیر نرمال شده

یک نکته مهم در ماتریس تصمیم‌گیری‌های چند شاخصه، وجود شاخص‌های مثبت و منفی با مقیاس‌های مختلف در یک ماتریس می‌باشد. لذا برای امکان مقایسه شاخص‌ها با یکدیگر، لازم است از طریق روش‌های بهنجارسازی قابلیت مقایسه را با هم پیدا کنند (پورطاهری، 1389: 32؛ Jin, 2005: 86). به عنوان مثال شاخص بعد خانوار ($X1$) شاخصی با جهت گیری منفی است که از طریق بهنجارسازی امکان مقایسه آن با دیگر شاخص‌ها فراهم می‌گردد. در مرحله دوم به منظور تطبیق مقیاس‌های گوناگون با استفاده از رابطه 2 اقدام به نرمال‌سازی نورم داده‌های برای شاخص‌های مختلف ($X1-X17$) گردید.

(رابطه 2)

$$f_{ij} = \frac{X_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^n X_{ij}^2}}, \quad i = 1, 2, \dots, m; j = 1, 2, \dots, n$$

که در آن X_{ij} مقدار اولیه و f_{ij} مقدار نرمال شده گزینه i ام و بعد j ام می‌باشند.

کشور	استان لرستان			سهم استان (درصد)		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
1385	15859925	11431880	4428045	324215	211351	112864
1390	19954708	14782114	5172594	420962	275871	145091
درصد رشد سالانه 1390/1385	2/32	2/60	1/56	2/64	2/69	2/54
-	-	-	-	-	-	-

ج 2. سهم استان لرستان از مسکن موجود کشور و تغییرات آن در دوره 90-1385. مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1385 و 1390.

شهرستان‌ها شاخص	ازنا	الیگودرز	بروجرد	پلدختر	خرم‌آباد	دلفان	دوره چگنی	درود	سلسله	کوه‌دشت
X1	3,62	4,41	3,53	3,96	4,1	4,02	4	3,97	4,03	4,23
X2	1,11	1,08	1,12	1,26	1,14	1,25	1,24	1,07	1,15	1,26
X3	2,92	2,54	2,45	2,98	2,87	2,72	2,75	2,55	2,48	2,77
X4	4,02	6,68	3,97	4,97	4,7	5,04	5	4,26	4,67	5,33
X5	1,35	2,63	1,6	1,66	1,63	1,85	1,81	1,66	1,87	1,92
X6	2,66	2,33	2,18	2,35	2,5	2,16	2,2	2,38	2,14	2,2
X7	10,04	8,05	11,09	21,06	12,8	20,28	19,98	6,74	13,68	20,66
X8	92,36	82,9	84,07	93,26	104,52	84,97	84,89	87,16	91,25	97,88
X9	16,48	19,41	13,87	15,72	14,64	15	14,91	12,13	14,11	15,6
X10	58,36	72,98	99,32	33,99	38,69	28,84	38,69	67,56	98,4	75,41
X11	39,12	14,71	60,27	28,71	47,51	35,91	18,23	64,73	38,37	20,87
X12	51,34	37,66	61,68	56,87	56,03	51,2	50,88	48,63	62,5	60,59
X13	98,54	79,88	97,98	75,9	92,71	75,97	91,9	98,87	93,84	58,53
X14	40,75	25,44	36,94	1,97	44,33	14,69	2,54	56,57	36,1	8,64
X15	98,27	76,27	98,45	76,18	95,31	94,06	63,12	99,16	95,38	93,7
X16	97,23	69,06	92,35	74,56	88,14	58,6	58,34	95,44	82,23	61,22
X17	99,44	93,48	99,21	98,29	99,03	99,01	99,65	99,25	98,89	99,06

ج 3. ماتریس تصمیم مکانی داده‌های خام. منبع: محاسبات نگارندگان، 1393.

مرحله سوم: محاسبه وزن شاخص‌ها

در فرایند تصمیم‌گیری چند شاخصه، تعیین وزن شاخص‌ها از اهمیت اساسی برخوردار است که این امر با استفاده از روش‌های مختلف از جمله Linamp، ANP، AHP، آنتروپی شانون و مانند آن انجام می‌گیرد (پورطاهری، 1398: 67-102). وزندهی به شاخص‌ها در این تحقیق از طریق مدل آنتروپی صورت گرفته است که ساختار مدل آنتروپی به شرح زیر است (اکبری و زاهدی، 1387: 46-48):

$$n_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sum_{i=1}^n x_{ij}} \quad (\text{رابطه 3})$$

در مرحله بعدی مقدار آنتروپی هر یک از شاخص‌ها محاسبه می‌گردد:

$$(\text{رابطه 4})$$

$$\sum j = -k \sum_{i=1}^m [n_{ij} \ln(n_{ij})] \Rightarrow k = \frac{1}{\ln(m)}$$

مقدار آنتروپی هر یک از شاخص‌ها مقداری بین صفر و یک است. بعد از محاسبه آنتروپی هر شاخص، درجه انحراف هر شاخص از طریق رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

مرحله پنجم: تعیین بالاترین و پایین‌ترین مقدار برای همه توابع شاخص‌ها

اگر شاخص به صورت مثبت باشد براساس رابطه 7 مقادیر بالاترین و پایین‌ترین محاسبه می‌شود و اگر شاخص به صورت منفی باشد براساس رابطه 8 مقادیر بالاترین و پایین‌ترین محاسبه می‌شود.

$$f_i^* = \max_j f_{ij} \text{ و } f_i^- = \min_j f_{ij} \quad (\text{رابطه 7})$$

$$f_i^* = \min_j f_{ij} \text{ و } f_i^- = \max_j f_{ij} \quad (\text{رابطه 8})$$

براساس فرمول‌های فوق‌الذکر می‌توان بالاترین و پایین‌ترین مقادیر را برای هر یک از شاخص‌ها مشخص نمود. در این مرحله برای شاخص‌های مثبت مقدار f^* بالاترین مقدار در هر شاخص و f^- پایین‌ترین مقدار در هر شاخص می‌باشد اما در شاخص‌های منفی (معکوس) f^* پایین‌ترین مقدار در هر شاخص و f^- بالاترین مقدار در هر شاخص می‌باشد. برای مثال در شاخص نسبت برخورداری واحد مسکونی از اسناد مالکیت (X10) بالاترین ارزش شاخصی مربوط به شهرستان بروجرد و پایین‌ترین ارزش مربوط به شهرستان دلفان می‌باشد (جدول شماره 6).

مرحله ششم: محاسبه مقادیر فاصله گزینه‌ها با راه‌حل ایده‌آل

در این مرحله فاصله هر گزینه از راه‌حل ایده‌آل مثبت محاسبه شده و سپس تجمع آن‌ها براساس فرمول رابطه 9 و 10 محاسبه می‌شود (فرجی سبکبار و همکاران، 1389: 137). به عبارت دیگر، محاسبه S_j و R_j پس از محاسبه ماتریس نرمالیزه شده و ماتریس وزن‌دار و استخراج f^* و f^- برای هر شاخص به منظور محاسبه شاخص ویکور به منظور رتبه‌بندی گزینه‌ها صورت می‌گیرد.

$$S_j = \sum_{i=1}^n \frac{w_i(f_{ij}^* - f_{ij})}{f_j^* - f_j^-} \quad (\text{رابطه 9})$$

$$R_j = \max_i \left[w_i = \frac{w_i(f_{ij}^* - f_{ij})}{(f_j^* - f_j^-)} \right] \quad (\text{رابطه 10})$$

$$d_j = 1 - E_j \quad (\text{رابطه 5})$$

محاسبه وزن هر شاخص از طریق رابطه (4) محاسبه

می‌گردد:

$$W_j = \frac{d_j}{\sum_{i=1}^n d_j} \quad (\text{رابطه 6})$$

نتایج مربوط به وزن نسبی هر یک از شاخص‌ها در جدول شماره 4 آورده شده است.

0,129	X10	0,005	X1
0,154	X11	0,005	X2
0,019	X12	0,005	X3
0,020	X13	0,019	X4
0,428	X14	0,025	X5
0,017	X15	0,006	X6
0,030	X16	0,110	X7
0,002	X17	0,006	X8
		0,013	X9

ج 4. وزن شاخص‌ها براساس روش آنتروپی.

مرحله چهارم: محاسبه ماتریس نرمال وزنی

در این مرحله جهت وزن‌دار کردن هر یک از شاخص‌ها، مقادیر ماتریس نرمال شده هر یک از گزینه‌ها بر وزن شاخص‌ها (محاسبه شده از طریق روش آنتروپی شانون) ضرب می‌گردد تا از این طریق ماتریس نرمال شده وزنی به دست آید. در جدول شماره 5 محاسبات مربوط به پنج شاخص نخست در این مرحله آورده شده است.

شاخص	X1	X2	X3	X4	X5
شهرستان					
ازنا	0,0015	0,0016	0,0020	0,0051	0,0059
الیگودرز	0,0018	0,0015	0,0017	0,0085	0,0116
بروجرد	0,0015	0,0016	0,0016	0,0050	0,0070
پلدختر	0,0016	0,0018	0,0020	0,0063	0,0073
خرم‌آباد	0,0017	0,0016	0,0019	0,0054	0,0071
دلفان	0,0017	0,0018	0,0018	0,0054	0,0081
دوره چگنی	0,0017	0,0015	0,0018	0,0063	0,0079
دورود	0,0016	0,0016	0,0017	0,0054	0,0073
سلسله	0,0017	0,0018	0,0017	0,0059	0,0082
کوهدشت	0,0018	0,0015	0,0019	0,0067	0,0084

ج 5. ماتریس نرمال شده وزنی.

که در آن S_j فاصله از گزینه i نسبت به راه حل ایده آل (ترکیب بهترین ها) و R_j فاصله گزینه i از راه حل ایده آل منفی (ترکیب بدترین) می باشد. رتبه بندی عالی براساس S_j و رتبه بندی بد براساس R_j انجام خواهد شد. برای مثال محاسبه مقدار S برای شاخص X_2 (تراکم خانوار) در شهرستان ازنا به صورت زیر می باشد:

$$S_2 = \frac{0.005(0.0015 - 0.0016)}{0.0015 - 0.0018} = 0.001$$

مرحله هفتم: محاسبه مقدار Q_i و رتبه بندی نهایی گزینه ها

در این مرحله شاخص ویکور که همان امتیاز نهایی هر گزینه است محاسبه شده و مقدار Q_i براساس رابطه 11 بیانگر رتبه نهایی هر شهرستان از مجموع 17 شاخص مورد مطالعه می باشد و مقدار آن بین صفر تا یک است (جدول شماره 7):

(رابطه 11)

$$Q_i = v \left[\frac{S_i - S^*}{S^- - S^*} \right] + (1 - v) \left[\frac{R_i - R^*}{R^- - R^*} \right]$$

که در آن:

$$S^* = \min_j S_j, \quad S^- = \max_j S_j \quad (\text{رابطه 12})$$

$$R^* = \min_j R_j, \quad R^- = \max_j R_j \quad (\text{رابطه 13})$$

$V = 0.5$ عدد ثابت

S_j = مجموع مقدار S برای هر گزینه

S^- = بزرگ ترین عدد شاخص S برای هر گزینه

S^* = کوچک ترین عدد شاخص S برای هر گزینه

R_j = مجموع مقدار R برای هر گزینه

R^- = بزرگ ترین عدد شاخص R برای هر گزینه

R^* = کوچک ترین عدد شاخص R برای هر گزینه

می باشد.

V وزن استراتژی (اکثریت معیارها) یا حداکثر مطلوبیت گروهی است. $\frac{S_i - S^*}{S^- - S^*}$ میزان فاصله از راه حل ایده آل مثبت گزینه i را نشان می دهد. به عبارتی

$\frac{R_i - R^*}{R^- - R^*}$ نشان دهنده فاصله از راه حل ایده آل منفی برای گزینه i است.

زمانی که V بزرگتر از 0/5 است، شاخص Q_i حداکثر توافق را دارد. زمانی که V کوچکتر از 0/5 باشد، نشان دهنده حداکثر نگرش منفی است. برای مثال محاسبه مقدار Q_i برای شهرستان ازنا به صورت زیر می باشد:

$$Q_{\text{ازنا}} = 0.5 \left[\frac{0.330 - 0.098}{0.885 - 0.098} \right] + (1 - 0.5) \left[\frac{0.124 - 0.58}{0.428 - 0.58} \right] = 0.736$$

بر طبق جدول شماره 7، محاسبه مقدار Q_i برای هر شهرستان از مجموع 17 شاخص موجود در تحقیق حاکی از این امر می باشد که شهرستان هایی که مقدار Q_i در آنها بیشتر است، در اولویت بالاتر قرار می گیرند و مقادیر پایین تر Q_i به معنای قرار گرفتن شهرستان ها در رتبه های پایین تر است. براساس نتایج این جدول شهرستان های دورود، بروجرد و خرم آباد با داشتن بیشترین مقدار Q_i در رتبه های یک تا سه و کوهدشت، پل دختر و دوره چگنی با کمترین مقدار Q_i در رتبه های هشت تا ده قرار گرفته اند. به عبارتی می توان گفت که شهرستان هایی که مقدار Q_i بالاتری دارند در مجموع شاخص های انتخابی دارای وضعیت بهتری نسبت به دیگر شهرستان ها می باشند.

بررسی شکاف درون منطقه ای

در این تحقیق جهت بررسی شکاف درون منطقه ای مسکن از نظر شاخص های انتخابی تراکم نفر در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق، متوسط سطح زیربنا و نسبت مساکن بادوام برای سال های 1385 و 1390 از شاخص ویلیامسون براساس رابطه شماره 1 استفاده گردیده است که نتایج حاصل از آن برای شهرستان های مختلف استان در جدول شماره 8 آورده شده است.

براساس نتایج شاخص ویلیامسون در جدول شماره 7 می توان شکاف بین هریک از شهرستان ها را از نظر

شاخص ویلیامسون از یکدیگر فاصله گرفته‌اند و به‌طور کلی نوسانات زیاد شاخص ویلیامسون دلیلی بر وجود شکاف درون منطقه‌ای در بین شهرستان‌های استان می‌باشد.

شاخص‌های مسکن مشاهده کرد، که نشان می‌دهد در اکثر موارد از نظر شاخص‌ها در طی دوره 1385 تا 1390 درصد تغییرات افزایش یافته است. بدین معنا که شهرستان‌های استان در طی این دوره به‌لحاظ

X9	X8	X7	X6	X5	X4	X3	X2	X1	
0,0033	0,0023	0,0153	0,0022	0,0059	0,0050	0,0020	0,0015	0,0015	f*
0,0052	0,0018	0,0479	0,0017	0,011	0,0089	0,0016	0,0018	0,0018	f-
X17		X16	X15	X14	X13	X12	X11	X10	
0,0008		0,0117	0,0099	0,2370	0,0071	0,0074	0,0783	0,0616	f*
0,0008		0,0070	0,0037	0,0082	0,0042	0,0042	0,0178	0,0178	f-

ج 6. تعیین مقادیر بالاترین و پایین‌ترین ارزش ماتریس نرمال وزنی. منبع: محاسبات نگارندگان، 1393.

رتبه	Q	R _i	S _i	شهرستان‌ها
4	0,736	0,124	0,330	ازنا
6	0,428	0,244	0,601	الیگودرز
2	0,781	0,154	0,238	بروجرد
9	0,025	0,428	0,845	پلدختر
3	0,767	0,111	0,352	خرم‌آباد
7	0,219	0,328	0,752	دلفان
10	0,000	0,423	0,885	دوره چگنی
1	1	0,58	0,098	دورود
5	0,696	0,161	0,357	سلسله
8	0,147	0,376	0,764	کوهدشت

ج 7. محاسبه مقدار Q_i و رتبه‌بندی شهرستان‌ها براساس میزان فاصله نسبت به راه‌حل ایده‌آل.

شاخص شهرستان		تراکم نفر در واحد مسکونی		تراکم نفر در اتاق		متوسط سطح زیربنا		نسبت مساکن بادوام	
		1390	1385	1390	1385	1390	1385	1390	1385
	ازنا	0,1945	4,2622	0,1953	4,3027	0,1907	0,1889	0,1982	0,1890
	الیگودرز	0,2567	2,5838	0,2541	2,5546	0,2567	0,2945	0,2708	0,3139
	بروجرد	0,3220	2,4335	0,3218	2,4121	0,3127	0,3351	0,2476	0,3087
	پلدختر	0,2273	3,4786	0,2270	3,2257	0,2297	0,2257	0,2450	0,2336
	خرم‌آباد	0,4467	1,9907	0,4522	2,0061	0,4467	0,3909	0,4629	0,3869
	دلفان	0,3007	2,5071	0,3013	2,5101	0,3078	0,3161	0,3271	0,3163
	دورود	0,5292	2,9452	0,2566	2,9287	0,2553	0,2737	0,1954	0,2903
	سلسله	0,2197	3,6224	0,2174	3,5874	0,2219	0,2190	0,2414	0,2006
	کوهدشت	0,3485	2,1760	0,3535	2,1844	0,3554	0,3551	0,3874	0,3588

ج 8. شاخص ویلیامسون برای شاخص‌های انتخابی در بین شهرستان‌های استان لرستان¹⁰.

منبع: محاسبات نگارندگان، 1393.

نتیجه

در پژوهش حاضر به منظور سنجش نابرابری مسکن روستایی در بین شهرستان‌های استان داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از داده‌ها و اطلاعات مرکز آمار ایران و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی 1390 با استفاده از روش‌های کمی - تحلیلی - تکنیکی در محیط SPSS و EXLL مورد پردازش قرار گرفت و بر پایه مجموعه شاخص‌های کمی و کیفی (17 شاخص) در چارچوب مدل ویکور اقدام به سنجش فاصله بین شهرستان‌ها و رتبه‌بندی آن‌ها از لحاظ شاخص‌های مورد بررسی، گردید. آنچه که یافته‌های تحقیق حاضر به ما می‌نمایاند این است که لرستان با داشتن سهم $2/1$ درصدی از مسکن کل کشور در سال 1390 دارای سهم $1/8$ درصد مسکن شهری و $2/8$ درصد مسکن روستایی بوده است. تعداد واحدهای مسکونی روستایی در استان لرستان در سال 1390 برابر با 145091 واحد بوده که نسبت به سال 1385 با 210622 واحد مسکونی دارای رشد سالیانه $5/15$ درصدی بوده است. نتایج حاصل از محاسبه امتیاز نهایی شاخص ویکور در 17 شاخص انتخابی جهت بررسی شاخص‌های مسکن روستایی نشان می‌دهد مسکن روستایی در شهرستان‌های دورود، بروجرد و خرم‌آباد به ترتیب با 1، 0، 781 و 0، 767 دارای بالاترین مقدار Q_i در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند و شهرستان‌های کوهدشت، پلدختر و دوره چگنی به ترتیب با 0، 147، 0، 025 و 0 دارای پایین‌ترین مقدار Q_i در رتبه‌های هشتم تا دهم قرار گرفته‌اند. شهرستان دورود با بالاترین مقدار Q_i دارای بهترین وضعیت از لحاظ شاخص‌های انتخابی بوده و شهرستان دوره چگنی با کمترین مقدار دارای بدترین وضعیت می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که بین رتبه شهرستان‌ها و موقعیت جغرافیایی آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد

به‌طوری‌که شهرستان‌های دارای رتبه‌های نخست در مجاورت همدیگر و شهرستان‌های دارای رتبه‌های پایین‌تر نیز در مجاورت هم قرار گرفته‌اند. شهرستان‌های واقع در نیمه غربی و جنوب غربی استان در رتبه‌های پایین‌تر و شهرستان‌های واقع در نیمه شرقی و شمال شرقی استان در رتبه‌های بالاتر واقع شده‌اند (به تصویر شماره 1 و جدول شماره 7 رجوع شود). وجود این وضعیت را می‌توان معلول شرایطی از قبیل سطح توسعه اقتصادی، دسترسی به مراکز توسعه، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و غیره دانست که خود مستلزم پژوهش‌های آتی در این زمینه می‌باشد.

جهت بررسی شکاف درون منطقه‌ای از لحاظ شاخص‌های انتخابی در بین شهرستان‌های استان از شاخص ویلیامسون استفاده گردید که نتایج حاکی از وجود نوسانات زیاد شاخص ویلیامسون در طی دوره 1385 تا 1390 در بین شهرستان‌های استان می‌باشد، بدین معنا که شهرستان‌های استان در طی این دوره به‌لحاظ شاخص ویلیامسون از یکدیگر فاصله گرفته‌اند و باعث شکل‌گیری شکاف درون منطقه‌ای در بین شهرستان‌های استان شده است (جدول شماره 8).

نتایج این مطالعه حاکی از سطح بالاتر توسعه مسکن روستایی در بین شهرستان‌های حوزه مرکز و شمال شرقی استان لرستان از نظر شاخص‌های مورد مطالعه و سطح پایین‌تر توسعه مسکن در بین شهرستان‌های حوزه جنوبی استان می‌باشد و وجود نابرابری و شکاف را در بین شاخص‌های مسکن روستایی در بین این شهرستان‌ها تأیید می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که ما شاهد شکل‌گیری دو قطب شمال و جنوب در بین شهرستان‌ها می‌باشیم. این امر تمرکز بیشتر سیاستگذاری‌ها در حوزه جنوبی استان را می‌طلبد. البته این امر نباید منجر به عدم توجه به دیگر شهرستان‌ها

- پورمحمدی، محمدرضا. (1379)، برنامه‌ریزی مسکن، تهران، انتشارات سمت.

- پیمان، سید حسین. (1386)، ویژگی‌های مسکن خانوارهای شهری در طبقه‌های درآمدی، فصلنامه اقتصاد مسکن، شماره 41، صص 71-78.

- توسلی، غلامعباس. (1378)، جامعه‌شناسی شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.

- تولون، بی. (1374)، جغرافیای سکونت، سکونتگاه‌های روستایی، ترجمه محمد طاهری، انتشارات دانشگاه تربیت معلم تبریز.

- ذاکر حقیقی، کیانوش؛ مسلسل، عبدالله؛ رحمانی، امیر. (1391)، ارزیابی سطوح توسعه‌یافتگی بخش مسکن در مناطق جنوبی استان همدان با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره 6.

- رفیعی، مینو. (1379)، مسکن شهری به سوی برنامه‌ریزی محلی، ماهنامه شهرداری ها، شماره 19.

- زیاری، کرامت اله، زنجیرچی، سید محمود؛ سرخ کمال، کبری. (1389)، بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 72.

- سرتیپی‌پور، محسن. (1383)، آسیب‌شناسی مشکلات مسکن در ایران نشریه علمی پژوهشی صفا، شماره 39.

- سرتیپی‌پور، محسن. (1385)، مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه، نشریه هنرهای زیبا، شماره 27.

- سرشماری عمومی نفوس و مسکن. (1385)، مرکز آمار ایران.

- سرشماری عمومی نفوس و مسکن. (1390)، مرکز آمار ایران.

- سعیدی، عباس؛ فریبا امینی. (1389)، ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی، فصلنامه جغرافیا، سال هشتم، شماره 27، صص 44-29.

- شفاعت، محمدرضا. (1385)، بررسی سیاست‌های تأمین مسکن نیازمندان در ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته سیاست‌گذاری و مطالعات ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

- عزیزی، محمد مهدی. (1383)، جایگاه شاخص‌های مسکن در فرایند برنامه‌ریزی مسکن، فصلنامه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره 17، ص. 28.

- غفار، پارسا. (1385)، بحران فقر، روزنامه اعتماد ملی، شماره 266.

گردد، بلکه ایجاد بسترهای مناسب در جهت نیل به پایداری مسکن روستایی مستلزم توجه همه جانبه به تمام مناطق می‌باشد.

پی‌نوشت

1. Philips & Williams
2. neglected
3. marginalized
4. Choguill
5. Seong-Kyu Ha
6. Si-ming Li
7. Asfour

8. جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز برای این شاخص از نتایج آمارگیری ویژگی‌های مسکن روستایی 1387 استان لرستان استفاده گردیده است.

9. Vlse Kriterijumska Optimizacija Kompromisno Resenje

10. لازم به ذکر است که شهرستان دوره چگنی به علت نبود اطلاعات این شهرستان در سال 1385 از تحلیل حذف شده است.

فهرست منابع

- اکبری، نعمت الله؛ مهدی زاهدی، کیوان. (1387)، کاربرد روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری چند شاخصه، وزارت کشور، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- اهری، زهرا، حبیبی محسن. (1370)، مسکن حداقل، چاپ دوم، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- براتی، ناصر. (1382)، بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، مجله خیال، شماره 8.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (1387)، نتایج آمارگیری از ویژگی‌های مسکن روستایی 1387 استان لرستان.
- بیتی، حامد. (1390)، ارزیابی جایگاه الگوهای بومی در برنامه‌های ساخت‌وساز مسکن روستایی؛ مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی، مدیریت شهری، شماره 29.
- پرهیز، فریاد؛ مصمصام شریعت، جمال‌الدین؛ کریمیان، مسعود؛ زیاری، کرامت‌الله؛ جمینی، داوود. (1391)، تحلیلی بر وضعیت مسکن در استان لرستان با استفاده از مدل‌های تحلیل عاملی، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره 8، صص 29-42.
- پورطاهری، مهدی. (1389)، کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در جغرافیا، انتشارات سمت، تهران.

- Herrmann, M. and Svarin, D. (2009), Environmental pressures and rural-urban migration, the case of Bangladesh, Unpublished.
- Howell, EM.; Harris LE.; Popkin, SJ. (2005), The health status of Hope VI public housing residents, J Health Care Poor Underserved; 16: p 273-85.
- Huang, Youqin. (2005), From Work-unit Compoundsto Gated Communities: Housing Inequality and Residential Segregation in Transitional Beijing. In Restructuring the Chinese Cities: Changing Society, Economy and Space, edited by Laurence J. Ma and Fulong Wu. London and New York: Routledge: 192-221.
- Huang, Youqin & Jiang, Leiw. (2009), Housing Inequality in Tranaitional Beijing, International Journal of Urban and Regional Research. Vol.33.4.
- Jin. Lei. (2005), A Fuzzy Multi-Criteria Analysis for Assessing Technologies of Air Pollution Abatement at Coal- Fired Plants. A Projected Submitted to the Faculty of Engineering in Partial Fulfillment of the Requirement for the Degree of Master of Environment Systems Engineering. University of Regina.
- Khoury, Z. B. (1996), Implementing the new urban agenda: the case of Ismailia, Egypt. Environment and Urbanization, 8(1), 197.
- Li, Si-ming. (2009), Housing Inequality in Urban China: Guangzhou 1996 and 2005. ESPACE, POPULATIONS, SOCIETES, No.3. p 511-521.
- Milbourn, Poul; Clocke, Poul (2006), International Perspectives on Rural Homelessness, Routledge.
- Opricovic S, Tzen, G (2007). Decision Support Extended VIKOR method in comparison with outranking methods, European Journal of Operational Research Vol. 178.
- Rapoport, Amos. (1969), Housing for and culture, Prentice-Hall.
- Ruel, Erin; Deirdre Oakley, G; Elton, Wilson; Maddox, Robert. (2010), Is Public Housing the Cause of Poor Health or a Safety Net for the Unhealthy Poor? Journal of Urban Health: Bulletin of the New York Academy of Medicine, Vol. 87, No. 5. P 827-838.
- Stren, R. E.; White, R. R. (Eds.). (1989), African cities in crisis: Managing rapid urban growth, Boulder, Colorado: Westview Press.
- Szeleny, Ivan. (1983), Urban Inequalities under State Socialism, Oxford, Oxford University press.
- Tadjoeddin, Mohammad Zulfan. (2003), Aspiration to Inequality: Regional Disparity and Centre- Regional Conflicts in Indonesia, Conference on Spatial Inequality in Asia, United Nations University Centre, Tokyo, 28-29 March 2003.
- Tiwari, Piyusb. (2007), Rural Housing, India Infrastructure Report 2007.
- World Health Organization. (2010), Hidden cities: unmasking and overcoming health inequities in urban settings, The WHO Centre for Health Development, Kobe and United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT).
- Yagi, Kogi. (1987), A Japanese Touch For your home, codansha international co. Tokyo, Kodansha International.
- فرجی سبکبار، حسن علی؛ بدری، سید علی؛ مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ شرفی، حجت الله. (1389)، سنجش میزان پایداری نواحی روستایی بر مبنای مدل تحلیل شبکه، با استفاده از تکنیک بردا / مطالعه موردی: نواحی روستایی شهرستان فسا، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره 72.
- قنبری، ابوالفضل. (1390)، تحلیلی بر نابرابری های مسکن روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی در سال 1387، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 136.
- مشکینی، ابوالفضل؛ زیاری، کرامت الله؛ پرهیز، فریاد؛ غلامی، علیرضا. (1390)، برآورد نابرابری مسکن در استان هرمزگان با استفاده از ضریب جینی، فصلنامه آبادی، سال بیستم، شماره 34، 28-35.
- مشکینی، ابوالفضل؛ میرکمالی، روحیه. (1387)، سیاست های مسکن در کره جنوبی، بولتن اقتصادی مسکن مجله علمی - تحقیقاتی، شماره 40.
- هدایت نژاد، محمود. (1375)، اجاره نشینی، عوارض روانی اجتماعی و راه حل ها، مجموعه مقالات سومین سمینار توسعه مسکن در ایران، جلد دوم، وزارت مسکن و شهرسازی.
- Asfour, Omar S. (2012), Towards an effective strategy to cope with housing land scarcity in the Gaza Strip as a sustainable development priority. Habitat International, Volume 36, Issue 2, 201-342.
- Centre for Rural Economy. (2013), Affordable housing and inequality in rural Britain. School of Agriculture, Food and Rural Development, Newcastle University, CRE Policy Brief No 5.
- Chen, L.Y, Wang ,T.C (2009). optimizing partners' choice in IS/IT outsourcing projects: The strategi cdecision of fuzzy VIKOR, International Journal of .Production Economics, Volume 120, Issue 1.
- Choguill, Charles L. (2007), The search for policies to support sustainable housing. Habitat International, 31, 143-149.
- Cloke, paul; Marsden, Terry; Mooney, Patrick. (2006), Handbook of Rural Studies. SAGE publication.
- Culling Worth, Betty. (1997), Planning in the USA: policies, issues, and processes, Routledge, Newyork.
- Gallent, Nick; Shucksmit, Mark; Tewdwr-Jones, Mark. (2003), Housing in the European Countryside: Rural pressure and policy in Western Europe, Taylor & Francis e-Library.
- Galster, George. (1988), Residential Segregation in American Cities a contrary Review, Population Research and Policy Review, Vol.7.3.
- Ha, Seong-Kyu. (2008), Social housing estates and sustainable community development in South Korea. Habitat International, Volume 32, Issue 3, 349-363.